

فرمولی برای یک انتخاب خاص و بی‌نهایت مهم

فرخ حسابی
روزنامه‌نگار ورزشی

انتخابات فدراسیون فوتبال در زمانی بسیار زودتر از آنچه که باید، در حال انجام است. در حالت عادی چنین انتخاباتی دست‌کم تا اسفند ۱۴۰۳ نباید برگزار می‌شد. اما برکناری بی‌سابقه رئیس سابق فدراسیون، شهاب‌الدین عزیزی خادم، از سوی هیأت رئیسه، باعث شد

بعد از حدود یک سال و نیم، دوباره فوتبال ایران شاهد انتخابات جدید برای پست ریاست فدراسیون باشد.

میرشاد ماجدی، عزیز محمدی و مهدی تاج، سه رقیبی هستند که امروز برای دست گرفتن سکان کشتی فوتبال ایران با یکدیگر رقابت می‌کنند. تصور عمومی بر این است که گزیننده‌های بهتر یا دست‌کم گزیننده‌های بیشتری می‌توانستند در این فهرست حضور

داشته باشند اما در نهایت فرایند تأیید صلاحیت‌ها به سمتی رفت که فوتبال ایران باید یکی از این سه نفر را انتخاب کند. در این انتخابات سلیقه اعضای مجمع و تشخیص آنها می‌تواند مسیری متفاوت را برای فوتبال ایران رقم بزند. ترجیح دادن روابط بر ضوابط و اولویت دادن به دوستی‌ها به جای «برنامه‌ها» می‌تواند ضربه سنگینی به سرنوشت فوتبال وارد کند، اتفاقی که در فدراسیون

کوتاه مدت عزیزی خادم نیز رقم خورد و دیده شد؛ یک فدراسیون بی‌برنامه که برای هیچ اتفاقی، پیش‌بینی و آمادگی نداشت. مجمع فدراسیون باید از این سه کاندیدا برنامه دقیق و تضمین اجرایی قوی بخواهد و هرکدام را که در این دو آیتیم با دست پرتر دید، انتخاب کند. این حداقل توقعی است که می‌توان برای انتخاب بهترین فرد از بین سه کاندیدایی که

بهترین گزینه‌های فوتبال ایران نیستند، از مجمع فدراسیون داشت. یک فرمول مشخص برای انتخاب رئیس فدراسیونی که مشکلات زیادی دارد و در عین حال پتانسیل فراوانی برای تولید پول و ایجاد شور و شوق عمومی در جامعه. اینک رئیس فدراسیون فوتبال در هر کشوری در حد رئیس جمهوری قدرت دارد، ادعایی است که کمی اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد اما بدون شک در کشورهایی

که فوتبال در آنها ورزش اول و پرطرفداری محسوب می‌شود، و طبقه رئیس فدراسیون این ورزش پرطرفدار و بی‌نظیر، یک مسئولیت سنگین، پیچیده، چند بعدی و بسیار حساس است و صندلی ریاست فوتبال، فردی با قابلیت‌های ذهنی، اخلاقی و مدیریتی در بالاترین سطح را طلب می‌کند. آیا می‌توان از مثلث تاج، ماجدی و محمدی چنین مدیری را بیرون آورد؟

میرشاد ماجدی؛

انتخابی که هیچکس را هیجان زده نمی‌کند

آریا مجد
روزنامه‌نگار ورزشی

انتخابات فدراسیون فوتبال این بار یک چهره جدید دارد؛ میرشاد ماجدی. در انتخابات سال ۱۳۹۹ فدراسیون فوتبال رقابت اصلی بین شهاب عزیزی خادم و کیومرث هاشمی بود و مصطفی آجرلو و علی کریمی هم دو نامزد دیگر کرسی ریاست بودند. در روز دهم اسفند آن سال که عزیزی خادم به صندلی ریاست فدراسیون رسید، ماجدی با ۲۰ رأی به عنوان یکی از اعضای هیأت رئیسه برگزیده شد، ولی با اتفاقات ماه‌های بعد و عزل‌ها و محرومیت‌های سریالی او ناگهان خودش را در پست سرپرستی فدراسیون فوتبال دید. ماجدی که در سال‌های گذشته پست‌های نه‌چندان مهمی در فدراسیون فوتبال داشته، برنامه‌ای برای شرکت در انتخابات امسال نداشت، ولی در لحظه آخر احساس کرد که بخت پیروزی دارد و ثبت نام کرد. به نظر می‌رسد که شرایط مجمع به نفع مهدی تاج، رئیس سابق فدراسیون فوتبال باشد، ولی ماجدی در هفته‌های اخیر با استفاده از اختیاراتش به عنوان سرپرست تلاش کرده تعدادی از اعضای مجمع را به نفع خودش تغییر دهد. وظیفه سرپرست‌های

موقت، اداره فدراسیون و فراهم کردن شرایط انتخابات است، ولی او با استفاده از این فرصت در تلاش است که خودش را به مهم‌ترین کرسی فوتبال ایران برساند. تصمیمات هفته‌های گذشته ماجدی که با استانداردهای اخلاقی فاصله دارد، این سؤال را مطرح می‌کند که در صورت پیروزی‌اش در انتخابات آیا مصالح فوتبال را در نظر می‌گیرد یا در مقاطع حساس دیگر ممکن است باز هم منافع شخصی را ترجیح بدهد؟ او همچنین در سابقه مدیریتش نقاط درخشانی ندارد که خیال خانواده فوتبال را برای سپردن چنین مسئولیت مهمی راحت کند. در سال‌های حضور ماجدی در فدراسیون به یاد نداریم که او در محدوده اختیاراتش قدم مهمی برداشته یا ایده نوبی ارائه کرده باشد. در همین ماه‌های سرپرستی ماجدی نه تنها از مشکلات فدراسیون فوتبال کم نشد که حتی شاهد هرج و مرج بیشتری هم بودیم. پرونده ویلموتس هنوز داغ است و مهدی تاج با وجود مصاحبه‌های روزهای اخیر نتوانسته خودش را در این ماجرا تیره کند، ولی ماجدی هم چیزی نشان نداده که خانواده فوتبال یا رسانه‌ها بخواهند از او حمایت کنند و به ریاست احتمالی‌اش دل ببندند.

عزیزالله محمدی؛ بدون لیخند برای خاطرات خوب

یونس علیزاده
خبرنگار ورزشی

عزیزالله محمدی یا همان عزیزمحمدی خودمان (!) خیلی مصر است که رئیس شود. مسئولان دریافت مدارک ثبت‌نام نامزدهای ریاست فدراسیون می‌گفتند نماز صبح را خوانده بود و فوراً خودش را به دفتر فدراسیون رساند تا وارد کارزار انتخابات شود. این انگیزه و انرژی در نوع خود جالب است هر چند با انتخاب نواب رئیس، نشان داد همچنان خوش سلیقه نیست. او علی فتح‌الله‌زاده و محمدرضا کافی را به عنوان نایب رئیس اول و دوم خود معرفی کرد و در برنامه‌هایش، بحث دندان‌گیری نبود که بخواهیم از طریق آن به نقد و بررسی آینده فدراسیون با عزیزمحمدی بپردازیم. او را یک مدیر بدون لیخند به یاد می‌آوریم که هر هفته، تصمیماتش معمولاً محل دعوا و درگیری بود. در خاطرات ما از عزیز محمدی، کلی دعوا و درگیری به جا مانده که هر کدامش، قصه جداگانه‌ای داشت. با این حال، او برای اولین بار در سه دهه گذشته توانست یک تقویم کامل برای یک فصل را به دست باشگاه‌ها بدهد. قبل از عزیزمحمدی، کمتر

به یاد داریم که مدیری در سازمان لیگ چنین کاری کرده باشد. عزیزمحمدی بعد از ثبت‌نام و اراده جهت حضور در انتخابات فدراسیون، چند مصاحبه جالب انجام داد. اول گفت روزه سکوت گرفته و سپس برنامه‌هایش را به صورت ویدیویی در اختیار رسانه‌ها گذاشت. او اعلام کرد قصد دارد تحول عظیمی در حمایت فدراسیون از تیم‌های ملی صورت بدهد و همچنین همه ظرفیت‌های ممکن برای اداره مهم‌ترین فدراسیون در میان همه ورزش‌های ایران را داراست. عزیز محمدی در نگاه کلی، شانس بسیار کمتری نسبت به مهدی تاج و میرشاد ماجدی برای ورود به اتاق ریاست دارد اما نزدیکانش می‌گویند لابی کاملی صورت گرفته تا به اندازه کافی رأی جمع شود. او می‌خواهد رویه مدیریتی جدیدی در فدراسیون بسازد اما شاید نتوان چندین ماه به این موضوع دلخوش بود زیرا مدیریت در سازمان لیگ نشان داد نقص‌ها و نقدهای زیادی به کارنامه او وارد است و در ثانی، شاید با فتح‌الله‌زاده و کافی نتواند کاری از پیش ببرد. با این حال خودش حسابی به نتیجه این انتخابات امیدوار است و احتمالاً قصد دارد خاطرات خوبی از عملکردش بر جای بگذارد!



مهدی تاج؛

فوتبال و کشیش‌ها

هومن جعفری
خبرنگار ورزشی

اگر از من بپرسند: آیا هیچ کدام از این سه نامزد حاضر در انتخابات را قبول داری، پاسخ منفی است! اگر تاونش را داشتم هر ۳ نامزد را حذف می‌کردم. با این همه اگر مجبور باشم به یکی از این سه نفر رأی بدهم، مهدی تاج صاحب آن رأی خواهد بود! دلیل؟ همان که برنارد تاپی مالک جنجالی مارس در دهه‌های گذشته یک بار گفته بود: «قرار نیست مدیران فوتبال، آدم‌های خوب و مهربان و خدائرس باشند! مدیران فوتبال باید لابی کنند و زورشان برسد که متافع باشگاه خود را تأمین نمایند. اگر غیر از این بود کشیش‌ها بر باشگاه‌های فرانسوی مدیریت می‌کردند!» بر این باورم که مهدی تاج، هم فوتبال را تجربه کرده و هم لابی‌های آسیایی را دارد، چیزی که در سال سختگیری‌های بیشتر ای اف سی بیشتر از قبل به آن نیاز داریم. تأکید می‌کنم که این

نوشته به معنای تأیید تاج از منظر من نیست. صادقانه باید پذیرفت که یکجک انتخابات امسال، به سود او طراحی شده. حذف نامزدهای قدرتمندتر یا نافذتر، برکناری بهاروند که سبد آرایش را به سمتی غیر از ماجدی سوق خواهد داد و موارد دیگر که نیاز به گفتش نیست، او را قبل از انتخابات بر کرسی ریاست فدراسیون نشانده! بپذیریم که بسیاری از مدیران قوی‌تر فوتبال و اهالی قوی‌تر رسانه‌های ورزشی و... با تمام قدرت از تاج حمایت می‌کنند تا دوباره به میز بازی برگردند، میزی که توسط نفرت ضعیف‌تر اشغال شده.

از همین رو مهدی تاج در شرایط فعلی و در میان تمامی این گزینه‌ها خیرالموجودین است که شاید هیچکس موافق او نباشد ولی برای انتخاب گزاره دیگری نیست.

برای آخرین بار تأکید می‌کنم مطلقاً طرفدار مهدی تاج نیستم اما او تجربه، جنم و قدرت بیشتری برای اداره فوتبال دارد. دست‌کم در قیاس با عزیزمحمدی و میرشاد ماجدی! فوتبال جای کشیش‌ها نیست!



فوتبال بانوان؛ قطعه گمشده

مازیار فیروزی
خبرنگار ورزشی

به میمنت و مبارکی، امروز نام رئیس جدید فدراسیون از صندوق آرا بیرون می‌آید و فوتبال «رئیس» جدید را می‌شناسد. البته هنوز تأسف‌های زیادی وجود دارد که باید به آن اشاره کنیم؛ مثلاً همان کسانی که علی کریمی را کنار زدند و به شهاب‌الدین عزیزی خادم رأی دادند، قرار است رئیس جدید را انتخاب

کنند و از میان کرور کرور آدم‌های موجه و مدیران مدبر، فقط یکی از این سه نفر - تاج، ماجدی یا عزیزمحمدی - رئیس می‌شوند. هر دو داستان، غم‌انگیز و ناراحت‌کننده است ولی چاره دیگری دارید؟ نکته منفی دیگر، اینجاست که در برنامه هیچ کدام از این کاندیداها، اثری از فوتبال بانوان ندیدیم. البته برای خالی نماندن عریضه، قلم‌فرسایی‌هایی شده بود و به صورت تیتروار، مسائلی را مطرح کردند اما طرح و برنامه؟ نه اصلاً! فوتبال بانوان همچنان پچه‌سراهی فدراسیون است که

مدیران فعلی نه ایده‌ای برای توسعه و پیشبرد آن دارند و نه دل‌شان می‌خواهد اتفاق خاص و ویژه‌ای در آن رقم بزنند. فدراسیون فوتبال به راحتی می‌تواند در عرصه بانوان، حرفی برای گفتن داشته باشد و افتخارات تازه‌ای بسازد اما وقتی برنامه‌ای در میان نباشد و افتخارات گذشته به صورت مدیریت تصادفی ثبت شده باشد، هیچ امیدی به آینده یافت نخواهد شد. این قطعه گمشده در ایده‌های تاج، عزیز محمدی و ماجدی دیده نشد؛ درست مثل باقی دوران‌ها.

گزینه‌های تکراری بر منصب ریاست

ایمان شیرازی
خبرنگار ورزشی

انتخابات فدراسیون فوتبال ساعت ۹ صبح امروز ۸ شهریور در سالن همایش‌های صداوسیما برگزار خواهد شد. رقابتی بین ۳ نماینده که آینده فوتبال ایران را رقم خواهند زد؛ حرف و حدیث‌ها و حواشی پیرامون کاندیداها و پروسه تأیید صلاحیت‌شان بی‌نهایت بود؛ از ناقص بودن پرونده ثبت‌نامی برخی تا موضوع پرونده‌های

باز و استعلام‌های قضایی. در هر صورت در نهایت اسم ۳ نامزد نهایی ریاست اعلام شد تا میرشاد ماجدی، مهدی تاج و عزیزالله محمدی خود را برای رسیدن به صندلی مدیریت فوتبال ایران محک بزنند. رئیس جدید فدراسیون فوتبال البته برای یک دوره ۴ ساله انتخاب نخواهد شد و مدیر جدید ادامه دهنده دوران فدراسیون عزیزی خادم است که انتخاباتش در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۹۹ برگزار شده. نکته‌ای که در مورد انتخابات وجود دارد این است که هر نام و هر کابینه معرفی شده را که می‌بینیم،

همه از نام‌های تکراری فوتبال ایران هستند؛ حتی میرشاد که در عرصه مدیریت تازه‌وارد است. چه علتی باعث شده که نام جدید و جوانی را در این بین نبینیم؟ شاید اگر به افراد جدید فرصت حضور در این سمت را بدهیم، بتوانند خود را نشان دهند و راندمان بالایی در این پست از خود به جای بگذارند. با همه این بحث‌ها بر دیگر قطعاً کسی که روی صندلی ریاست خواهد نشست، چهره‌ای آشنا و از سابقه‌دارهای حضور در فوتبال ایران خواهد بود؛ یک چهره تکراری برای یک صندلی داغ.